



اختلافات سیاسی بین امویان و عباسیان و تقسیم شدن اسلام به فرقه‌های مختلف و ظهور عقاید مادی و نفوذ فلسفه یونان در کشورهای اسلامی، موجب پیدایش یک نهضت علمی گردید. نهضتی که پایه‌های آن بر حقایق مسلم استوار بود. چنین نهضتی لازم بود، تا هم حقایق دینی را از میان خرافات و موهومات و احادیث جعلی بیرون کشد و هم در برابر زندیق‌ها (کافر) و مادیها با نیروی منطق و قدرت استدلال مقاومت کند و آرای سست آنها را محکوم سازد. گفتگوهای علمی و مناظرات امام صادق (ع) با افراد دهری (ملحد) و مادی مانند «ابن ابی العوجاء» و «ابو شاکر دیصانی» و حتی «ابن مقفع» معروف است. به وجود آمدن چنین نهضت علمی در محیط آشفته و تاریک آن عصر، کار هر کسی نبود، فقط کسی شایسته این مقام بزرگ بود که مأموریت الهی داشته باشد و از جانب خداوند پشتیبانی شود، تا بتواند به نیروی الهام و پاکی نفس و تقوا وجود خود را به مبدأ غیب ارتباط دهد، حقایق علمی را از دریای بیکران علم الهی به دست آورد، و در دسترس استفاده گوه‌رشناسان حقیقت قرار دهد. تنها وجود گرامی حضرت صادق (ع) می‌توانست چنین مقامی داشته باشد، تنها امام صادق (ع) بود که با کناره‌گیری از سیاست‌زدگی و جنجال‌های سیاسی از آغاز امامت در نشر معارف اسلام و گسترش قوانین و احادیث راستین دین مبین و تبلیغ احکام و تعلیم و تربیت مسلمانان کمر همت بر میان بست. زمان امام صادق (ع) در حقیقت عصر طلایی دانش و ترویج احکام و تربیت شاگردانی بود که هر یک مشعل نورانی علم را به گوشه و کنار بردند و در «خودشناسی» و «خداشناسی» مانند استاد بزرگ و امام بزرگوار خود در هدایت مردم کوشیدند. در همین دوران درخشان - در برابر فلسفه یونان - کلام و حکمت اسلامی رشد کرد و فلاسفه و حکمای بزرگی در اسلام پرورش یافتند. همزمان با نهضت علمی و پیشرفت دانش بوسیله حضرت صادق (ع) در مدینه، منصور خلیفه عباسی که از راه کینه و حسد، به فکر ایجاد مکتب دیگری افتاد که هم بتواند در برابر مکتب جعفری استقلال علمی داشته باشد و هم مردم را سرگرم نماید و از خوشه‌چینی از محضر امام (ع) بازدارد. بدین جهت منصور مدرسه‌ای در محله «کرخ» بغداد تأسیس نمود. منصور در این مدرسه از وجود «ابوحنیفه» در مسائل فقهی استفاده نمود و کتب علمی و فلسفی را هم دستور داد از هند و یونان آوردند و ترجمه نمودند، و نیز «مالک» را - که رئیس فرقه مالکی است - بر مسند فقه نشانند، ولی این مکتب‌ها نتوانستند وظیفه ارشاد خود را چنانکه باید انجام دهند. امام صادق (ع) مسائل فقهی و علمی و کلامی را که پراکنده بود، به صورت منظم درآورد، و در هر رشته از علوم و فنون شاگردان زیادی تربیت فرمود که باعث گسترش معارف اسلامی در جهان گردید. دانش گستری امام (ع) در رشته‌های مختلف فقه، فلسفه و کلام، علوم طبیعی و... آغاز شد. فقه جعفری همان فقه محمدی یا دستوره‌های دینی است که از سوی خدا به پیغمبر بزرگوارش از طریق قرآن و وحی رسیده است. بر خلاف سایر فرقه‌ها که بر مبنای عقیده و رأی و نظر خود مطالبی را کم یا زیاد می‌کردند، فقه جعفری توضیح و بیان همان اصول و فروعی بود که در مکتب اسلام از آغاز مطرح بوده است. «ابوحنیفه» رئیس فرقه حنفی درباره امام صادق (ع) گفت: «من فقیه‌تر از جعفر صادق کسی را ندیده‌ام و نمی‌شناسم. فتوای بزرگترین فقیه اهل سنت «شیخ محمد شلتوت» رئیس دانشگاه الازهر مصر که با کمال صراحت عمل به فقه جعفری را مانند مذاهب دیگر اهل سنت جایز دانست - در روزگار ما - خود اعترافی است بر استواری فقه جعفری و حتی برتری آن بر مذاهب دیگر و اینها نتیجه کار و عمل آن روز امام صادق (ع) است. در رشته فلسفه و حکمت حضرت صادق (ع) همیشه با اصحاب و حتی کسانی که از دین و اعتقاد به خدا دور بودند مناظراتی داشته است. نمونه‌ای از بیانات امام (ع) که در اثبات وجود خداوند حکیم است، به یکی از شاگردان و اصحاب خود به نام «مفضل بن عمر» فرمود که در کتابی به نام «توحیدمفضل» هم اکنون در دست است. مناظرات امام صادق (ع) با طیب هندی که موضوع کتاب «اهلیلجه» است نیز نکات حکمت‌آموز بسیاری دارد که گوشه‌ای از دریای بیکران علم امام صادق (ع) است. برای شناسایی استاد معمولاً دو راه داریم،

یکی شناختن آثار و کلمات او، دوم شناختن شاگردان و تربیت شدگان مکتبش. کلمات و آثار و احادیث زیادی از حضرت صادق(ع) نقل شده است که ما حتی قطره‌ای از دریا را نمی‌توانیم به دست آوریم مگر نمی‌ازیمی. اما شاگردان آن حضرت هم بیش از چهار هزار بوده‌اند، یکی از آنها «جابر بن حیان» است. جابر از مردم خراسان بود. پدرش در طوس به داروفروشی مشغول بود که به وسیله طرفداران بنی امیه به قتل رسید. «جابر بن حیان» پس از قتل پدرش به مدینه آمد. ابتدا در نزد امام محمدباقر(ع) و سپس در نزد امام صادق(ع) شاگردی کرد. جابر یکی از افراد عجیب روزگار و از نوابغ بزرگ جهان اسلام است. در تمام علوم و فنون مخصوصاً در علم شیمی تألیفات زیادی دارد، و در رساله‌های خود همه‌جا نقل می‌کند که (جعفر بن محمد) به من چنین گفت: «یا تعلیم داد یا حدیث کرد. از اکتشافات او اسیدازتیک (تیزآب) و تیزاب سلطانی و الکل است. وی چند فلز و شبه فلز را در زمان خود کشف کرد. در دوران «رنسانس اروپا» در حدود ۳۰۰ رساله از جابر به زبان آلمانی چاپ و ترجمه شده که در کتابخانه‌های برلین و پاریس ضبط است. حضرت صادق(ع) بر اثر توطئه‌های منصور عباسی در سال ۱۴۸ هجری قمری مسموم و در قبرستان بقیع در مدینه مدفون شد. عمر شریفش در این هنگام ۶۵ سال بود. از جهت اینکه عمر بیشتری نصیب ایشان شده است به «شیخ الاثمه» موسوم است. حضرت امام صادق(ع) هفت پسر و سه دختر داشت. پس از حضرت صادق(ع) مقام امامت بنا به امر خدا به امام موسی کاظم(ع) منتقل گردید. دیگر از فرزندان آن حضرت اسماعیل است که بزرگترین فرزند امام بوده و پیش از شهادت حضرت صادق(ع) از دنیا رفته است. طایفه اسماعیلیه به امامت وی قائلند.

## «خلق و خوی حضرت صادق(ع)»

حضرت صادق(ع) مانند پدران بزرگوار خود در کلیه صفات نیکو و سجایای اخلاقی سرآمد روزگار بود. حضرت صادق(ع) دارای قلبی روشن به نور الهی و در احسان و انفاق به نیازمندان مانند اجداد خود بود. دارای حکمت و علم وسیع و نفوذ کلام و قدرت بیان بود. با کمال تواضع و در عین حال با نهایت مناعت طبع کارهای خود را شخصاً انجام می‌داد، و در برابر آفتاب سوزان حجاز بیل به دست گرفته، در مزرعه خود کشاورزی می‌کرد و می‌فرمود: «اگر در این حال پروردگار خود را ملاقات کنم خوشوقت خواهم بود، زیرا به عرق جبین آذوقه و معیشت خود و خانواده‌ام را تأمین می‌نمایم» «ابن خلکان» می‌نویسد: «امام صادق(ع) یکی از ائمه دوازده‌گانه مذهب امامیه و از سادات اهل بیت رسالت است. از این جهت به وی صادق می‌گفتند که هر چه می‌گفت راست و درست بود و فضیلت او مشهورتر از آن است که گفته شود. «مالک» می‌گوید: «با حضرت صادق(ع) سفری به حج رفتم، چون شترش به محل احرام رسید، امام صادق(ع) حالش تغییر کرد، نزدیک بود از مرکب بیفتد و هر چه می‌خواست لبیک بگوید، صدا در گلویش گیر می‌کرد. به او گفتم: «ای پسر پیغمبر، ناچار باید بگویی لبیک»، در جواب فرمود: «چگونه جسارت کنم و بگویم لبیک، می‌ترسم خداوند در جوابم بگوید: لا لبیک ولا سعیدیک».

اللهم صلِّ على محمد وآل محمد

معرفی کتاب «توحید مفضل»



این کتاب املائی امام جعفر صادق(ع) بر (مفضل بن عمر جعفری کوفی)، یکی از اصحاب سرشناس و بزرگ آن حضرت، می‌باشد. امام(ع) کتاب را در چهار جلسه و در چهار روز، از صبح تا ظهر بر مفضل املا کردند. آن حضرت در این کتاب با بیان شگفتی‌های آفرینش، به اثبات آفریدگار حکیم و دانا پرداخته‌اند. توحید مفضل از کتاب‌های ارزشمند و معتبر شیعه در مباحث اعتقادی محسوب می‌شود. توحید مفضل از چهار مجلس تشکیل شده که در هر یک حکمت‌های بخشی از نظام خلقت بیان گردیده است. / دانش‌آموزان علامند به مطالعه‌ی این کتاب می‌توانند برای گرفتن امانت به دفتر تربیتی مراجعه نمایند.